[293] ما اهل بيت می گوئيم امامان وپيشوايان از ما هستند، وخلافت وپيشوائی تنها سزاوار وشايستهء ماست، وخداوند در كتابش وسنت پيامبرش ما را شايستهء آن دانسته است، علم در ما وما اهل آنيم، وتمامي آن با تمام جوانبش نزد من می باشد، وتا روز قيامت امری محقق نمی گردد حتی زدن بر چهرهء كسی، جز آنكه آن بوسيله پيامبر صلی ا عليه واله ديكته شده وعلی عليه السلام با دست خود نوشته ودر دست ما قراردارد. وگروهی گمان می كنند كه به خلافت از ما سزاوارترند، حتی تو أي پسر هند اين ادعا را ذكر می كنی، وگمان می كنی (عمر) نزد پدرم فرستاد كه می خواهم قرآن را در يك مجموعه أي جمع آوری كنم پس آنچه از قرآن نوشته أي را نزد من بفرست، فرستاده آمد، امام فرمود: سوگند به خدا قبل از اينكه به تو برسد گردنم را می زنی، عمر گفت: چرا ؟ فرمود: چون خداوند می فرمايد: (آنانكه در علم راسخند)، فرمود: آيه مرا قصد كرده وتو ويارانت مقصود آيه نيستيد، عمر خشمگين شد، سپس گفت: پسر ابی طالب گمان می كند آنچه در نزد اوست پيش فرد ديگری وجود
